

بیانیه شماره ۱۷ موسوی، قدرت‌ها و ضعف‌ها

آقای میر حسین موسوی بیانیه شماره ۱۷ خود را منتشر نمود. در این بیانیه پس از توضیحاتی مقدماتی، راه حل‌های پنجگانه‌ای برای غلبه بر بحران ارائه شده است. نکات برجسته و قابل تاکید در مقدمه آن را می‌توان چنین برشمرد:

موسوی در بیانیه شماره ۱۷ خود اعلام نموده است که حرکت مردم در روزهای تاسوعا و عاشورا بدون صدور اعلامیه از جانب خاتمی، کروی و من انجام گرفته است. او می‌گوید تهدید، سرکوب و ارباب مردم جواب نمی‌دهد، حتی کشتن ما (موسوی و کروی) هم مشکل را حل نمی‌کند. به مسئولان نظام پیشنهاد میدهد که بجای سیاست سرکوب، وجود بحران را بپذیرد تا راه حل برایش پیدا شود. او افزوده است که رادیکال شدن شعارها، در نتیجه خشونت حکومت صورت گرفته است و از حق مردم برای دفاع از خود، پشتیبانی کرده است. می‌گوید حکومت هم خودش خشونت می‌کند و هم از طریق رسانه ملی و نمایندگان نظام، خشونت را تبلیغ و مردم را تشویق به درگیری می‌کند. در ادامه بیانیه آمده است که سهامدار کردن سپاه پاسداران به فساد می‌انجامد. اعلام کرده است بدترین حرمت شکنی، کشتن مردم در این روزهاست. از جنبش سبز نیز این تعریف را ارائه داده است: "من لازم می‌دانم قبل از آنکه راه حل خودم را برای خروج از بحران مطرح سازم، بر هویت اسلامی و ملی و مخالف سلطه بیگانگان و وفادار به قانون اساسی ما و جنبش سبز تاکید نمایم."

در رابطه با راه حل برای خروج از بحران نیز به ۵ خواست اشاره دارد که به اختصار اینگونه اند: نخستین مساله اعلام مسئولیت- پذیری مستقیم دولت در مقابل ملت و مجلس وقوه قضائیه است. گفته است دولت باید پاسخگوی مشکلاتی باشد که برای کشور ایجاد کرده است. دومین بند آن، تدوین قانون شفاف و اعتمادبرانگیز برای انتخابات‌هاست. قانونی که شرکت همه ملت را علیرغم تفاوت در آراء و اندیشه‌ها تضمین کند. تاکید کرده است که مجلس اولیه انقلاب می‌تواند به عنوان الگویی مورد توجه قرار گیرد. سومین خواست برای خروج از بحران، آزادی زندانیان سیاسی و احیای حیثیت و آبروی آنها عنوان شده است. چهارمین موضوع، آزادی مطبوعات و رسانه‌ها و اجازه نشر مجدد روزنامه‌های توقیف شده و بالاخره پنجمین بند بیانیه، به رسمیت شناختن حقوق مردم برای اجتماعات قانونی و تشکیل احزاب و تشکلهای پایبندی به اصل ۲۷ قانون اساسی ذکر شده است.

این بیانیه چند روز پس از تهاجم افسار گسیخته حکومت در روز عاشورا در شرایط بس حساسی صادر شده است. تهاجمی که با وحشیگری و

قتل و خشونت همراه بود. در این تهاجم، خواهرزاده موسوی را نیز به شکل کاملاً علنی به قتل رساندند تا پیام روشن دستگاه ولایت، ملکه ذهن موسوی و فعالان شناخته شده این جنبش شود. تمام این اقدامات برای ارباب مردم و با هدف عقب نشان دادن آنها و برای خاموش کردن صدای فعالان جنبش صورت گرفت. در چنین شرایطی، نفس صدور بیانیه و ستودن ایستادگی و مقاومت مردم، مثبت و قابل دفاع است. من جدا از برخی ابهامات و اشکالات این بیانیه، بر این باورم که می‌بایست از این ایستادگی و جوهر خواسته‌های دموکراتیک طرح شده در آن، قاطعانه دفاع نمود.

مهمترین مساله بحث انگیز این بیانیه، نخستین بند آن است. این بند از دو سو مورد تائید قرار گرفته و برداشت متضادی از آن شده است. جریانات حکومتی مخالف دولت، اما گوش به فرمان رهبر نظیر رضائی، از بیانیه، عقب نشینی از موضع پیشین را استنباط کرده و آن را تائید کرده‌اند. بسیاری از اصلاح طلبان و بخشی از جریانات لائیک نیز از آن، برداشت متفاوتی کرده، مضمون آن را مثبت و قابل دفاع دانسته و نتیجه اجرای این بند را برکناری دولت فرض کرده‌اند. به نظر من جدا از انگیزه و روش دسته نخست، این ادعا که این بند عقب نشینی از موضع پیشین موسوی است، سخن نادرستی نیست. فراموش نکرده ایم که درست پس از اعلام نتیجه انتخابات، موسوی از ابطال انتخابات سخن راند. با گذشت مدتی، او به درستی نامشروع بودن دولت را طرح و از آن دفاع کرده است. اکنون دربند نخست این بیانیه، جدا از مضمون درست یا غلط آن و جدا از نتیجه و عاقبت اجرای چنین خواستی، دولت احمدی نژاد به صورت نه چندان صریح، به رسمیت شناخته شده است. همین که گفته می‌شود دولت باید پاسخگوی مشکلاتی باشد که برای کشور ایجاد کرده است یعنی این که دولت دیگر غیرمشروع نیست. از دولت غیرمشروع که پاسخگویی و مسئولیت پذیری در مقابل ملت و مجلس و قوه قضائیه نمی‌خواهند. بنابراین، بند نخست بیانیه عقب نشینی است از مواضع تا کنونی. به باور من برخی از جریانات اصولگرا که بر این نکته انگشت گذاشته‌اند، چندان پرت نمی‌گویند. از سوی دیگر بسیاری از اصلاح طلبان مضمون این بند را مثبت دانسته و نتیجه اجرای آنرا به سود مردم ارزیابی کرده‌اند. این سخن هم نادرست نیست. اما ابتدا باید پذیرفت که عقب نشینی صورت گرفته است یا نه، پس از آن به نتیجه مثبت آن پرداخت. ایراد این است که ما پیشرفت جنبش را ملاک قرار نمی‌دهیم. واژه‌ها بر ایمان اصل می‌شوند. عقب نشینی، سازش و... از این جمله‌اند. مگر عقب نشینی

همواره غلط است؟ آن عقب نشینی که امکان پیشروی ایجاد کند می‌تواند بسیار هم مثبت و قابل تحسین باشد. از اینرو نیازمندیم بدانیم که این عقب نشینی کار درستی بوده یا به ضرر جنبش تمام می‌شود. من فکر می‌کنم مساله‌ای که در بند نخست بیانیه مورد تاکید قرار گرفته، یک عقب نشینی از مواضع پیشین بوده برای ایجاد شکاف در صفوف نیروی مقابل. می‌دانیم که در جریان انتخابات، بخشی از اصولگرایان، دولت کنونی را قبول نداشتند. اما در جریان حرکات مردم و پیشرفت جنبش به تدریج در موضع دفاع از کل نظام قرار گرفتند که نتیجه آن در عمل، به همراهی با دولت کنونی هم امتداد می‌یافت. سیاست طرح شده دربند نخست بیانیه، صف بندی درون اصولگرایان را تغییر داده، اتحاد کاذب و اجباری آنان را به هم زده و به ایجاد شکاف در صفوف آنان دامن خواهد زد. بدون شک این شکاف به سود جنبش خواهد بود. اکنون باید دید که این عقب نشینی زیانناک به دستاوردهای آن می‌چربد یا نه. بر این باورم که اگر موسوی و کروی و خاتمی بر مواضع تا کنونی خود ایستادگی کنند، که تجربه و عملکرد تا کنونی آنها بر ایستادگی شان گواهی می‌دهد، در صف مقابل شکاف ایجاد شده و اراده واحد آنها برای سرکوب تضعیف می‌شود. از اینرو به نظر من چنین می‌رسد که این اقدام به سود جنبش تمام شده و باید این تاکتیک را هوشمندانه ارزیابی نمود.

اما قوت اصلی بیانیه این است که چهار بند از خواسته‌های پنجگانه آن، به انتخابات آزاد و الزامات آن اختصاص یافته است. طرح انتخابات آزاد به عنوان راه حل، یکی از نکات قدرت این بیانیه است. این بیانیه با طرح این خواسته، صرفاً در موضع نفی قرار نمی‌گیرد. به صورت اثباتی بر یکی از مهمترین اهدافی انگشت می‌گذارد که میتواند جنبشی وسیع حول آن شکل گیرد. اهمیت طرح چنین خواستی برای جنبش کنونی ما در این است که امکان وحدت در عین تکثر را فراهم می‌کند. این خواست امکان همصدائی، همراهی، و اتحاد بین جریانات و گروه‌بندی‌های مختلف با حفظ رنگارنگیشان ایجاد می‌کند. نکته‌ای که اهمیت دارد بدان توجه شود این است که در این بند از بیانیه صحبت از اصلاح قانون انتخابات به میان نیامده است. تدوین قانون انتخابات مورد تاکید قرار گرفته است. یعنی تدوین قانونی که شرکت همه ملت را علیرغم تفاوت در آراء و اندیشه‌ها تضمین کند. در پی آن به مواردی اشاره شده است که همگی برای یک انتخابات آزاد لازمند. من پیش از این در باره اهمیت طرح شعار انتخابات آزاد سخن گفته‌ام. چند روز پیش نیز در مطلب مشترکی که همراه دوست گرامیم، بهزاد کریمی، منتشر نمودیم اهمیت این خواست را چنین مورد تاکید قرار دادیم: "خواست انتخابات آزاد، ادامه و تکامل طبیعی و منطقی جنبشی است که با ابراز و اعلام "حق رای" میلیونها شهروند ایرانی سر بر آورد، < صفحه ۷